

## بررسی برنامه درسی رشته برنامه‌ریزی درسی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان در

توانمندسازی دانشجویان از نظر مهارت‌های فنی، اجرایی، دانشی و نگرشی

### The Curriculum of the Curriculum Planning Major for Empowering University Students

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۲۴، تاریخ ارزیابی: ۱۴۰۲/۶/۰۵، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۶/۲۷

M.Marafet, I.Barghi, B.Yarigoli

**Abstract:** The aim of the current research was to examine the curriculum of the field of curriculum planning of Shahid Madani University of Azerbaijan in empowering students in terms of technical, executive, knowledge and attitudinal skills. The research design was practical in terms of purpose, descriptive survey in terms of nature, and quantitative in terms of approach. The statistical population of the present study included 122 students of curriculum planning courses in the master's course of Shahid Madani University of Azerbaijan in the last seven years the formal and content validity of the questionnaire was confirmed by experts. The reliability of the whole questionnaire was estimated based on Cronbach's alpha coefficient of 0.978. Descriptive statistics were used to analyze the data, and a sample t-test was used to answer the research questions. The results showed that the average curriculum of curriculum planning in empowering students was equal to 3.40. Also, the results revealed that there is a significant difference at the significance level of 0.05 between the curriculum average in empowering students in terms of technical, executive, knowledge and attitude skills with a desirable average (4) and the average obtained in all four skills is less.

**Keywords:** curriculum, curriculum planning, technical, executive, knowledge

مر تسی معرفت<sup>۱</sup>؛ عیسی برقی؛ بهیود یاریقلی<sup>۲</sup>

**چکیده:** هدف پژوهش حاضر بررسی برنامه درسی رشته برنامه‌ریزی درسی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان در توانمندسازی دانشجویان از نظر مهارت‌های فنی، اجرایی، دانشی و نگرشی بود. طرح پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر ماهیت پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی و از نظر رویکرد، کمی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل دانشجویان رشته‌های برنامه‌ریزی درسی در دوره کارشناسی ارشد دانشگاه شهید مدنی آذربایجان در هفت سال اخیر به تعداد ۱۲۲ نفر بود. برای تعیین حجم نمونه از جدول کرجسی مورگان استفاده شد و ۸۵ نفر به عنوان نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شد. برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شد که در چهار بخش مهارت‌های فنی، اجرایی، دانشی و نگرشی بود. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه به تائید متخصصان رسید. پایایی کل پرسشنامه بر اساس ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۷۸ برآورد شد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین، انحراف استاندارد و...) و همچنین برای پاسخ به سؤال‌های پژوهش از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شد. نتایج نشانگر آن بود که میانگین برنامه درسی رشته برنامه‌ریزی درسی در توانمندسازی دانشجویان برابر با ۳/۴۰ بود. همچنین نتایج نشان داد که تفاوت معنادار در سطح ۰/۰۵ معناداری بین میانگین برنامه درسی در توانمندسازی دانشجویان از نظر مهارت‌های فنی، اجرایی، دانشی و نگرشی با میانگین مطلوب (۴) وجود دارد و میانگین به دست آمده در هر چهار مهارت کمتر از وضعیت مطلوب (۴) می‌باشد. در این راستا چنین می‌توان نتیجه گرفت که برنامه درسی رشته برنامه‌ریزی درسی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان در توانمندسازی دانشجویان از نظر مهارت‌های فنی، اجرایی، دانشی و نگرشی در وضعیت مطلوبی قرار ندارد و باید در این چهار مهارت، در برنامه درسی رشته تغییراتی داده شود.

**کلمات کلیدی:** برنامه درسی، برنامه‌ریزی درسی، مهارت فنی، اجرایی، دانشی، نگرشی

<sup>۱</sup>. کارشناس ارشد رشته برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران (نویسنده مسئول).

[mortazamarefat@yahoo.com](mailto:mortazamarefat@yahoo.com)

<sup>۲</sup>. دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران. [isabargi78@gmail.com](mailto:isabargi78@gmail.com)

<sup>۳</sup>. دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران. [yargolibeb3@yahoo.com](mailto:yargolibeb3@yahoo.com)

امروزه اشتغال فارغ‌التحصیلان رشته‌های مختلف آموزش عالی از جمله علوم تربیتی به عنوان یک چالش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یکی از مهم‌ترین مسائل جوامع است (Salame et al., 2019). به‌کارگیری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و مراکز آموزش عالی در بازار کار بستگی به مهارت‌ها و ویژگی‌هایی دارد که باید در حین تحصیل در دانشگاه ایجاد شود. دانشجوی رشته علوم تربیتی باید نوع دوست، انسان دوست، علاقه‌مند به دانش‌آموزان و در عمل صادق باشد. همچنین لازم است از نظر هوشی، توانایی فوق‌العاده‌ای داشته و دید هنری داشته باشد و از آنجایی که فرآیند یادگیری و تربیت با انسان سر و کار دارد و انسان بدون مهر و محبت و توجه خاص، تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد و چیزی را نمی‌آموزد (Taghi Pourzahir, 2018). از همین رو دانشجوی علوم تربیتی باید مهارت‌های لازم را در این رشته‌ها از طریق برنامه درسی کسب کند تا در بهبود وضعیت آموزشی و تربیتی کشور نقش مؤثری داشته باشد (بیری، ۲۰۲۰). مهارت‌های چهارگانه در این زمینه عبارتند از: مهارت فنی یعنی دانایی و توانایی در انجام دادن وظایف خاص که لازمه آن ورزیدگی در کاربرد فنون و ابزار ویژه و شایستگی عملی در رفتار و فعالیت است. مهارت دانشی شامل دانش دربرگیرنده حقایق، اطلاعات و مهارت‌های به دست‌آمده از طریق تجربه یا آموزش و پرورش، درک نظری یا عملی از یک موضوع است. دانش اجرایی شامل همه مهارت‌های مرتبط با شغل است که یک شخص از راه تجربه و مطالعه به دست می‌آورد و دانش نگرشی نیز نگرش ترکیبی از باورها و هیجان‌ها است که شخص را پیشاپیش آماده می‌کند تا به دیگران، اشیا و گروه‌های مختلف به شیوه مثبت یا منفی نگاه کند (Taghi Pourzahir, 2018).

تلاش هر نظام آموزشی آن است که با استفاده از طراحی و تدوین برنامه‌های درسی، انواع مختلف دانش و مهارت‌ها را به فراگیران انتقال دهد و آن‌ها را برای به عهده گرفتن نقش‌ها و مسئولیت‌های شغلی آماده نماید (Akbari, 2017). از سوی دیگر، رشد سریع فناوری و ایجاد تحول و تنوع در مشاغل و تخصص‌های مختلف، مسئولین آموزشی را به این سمت سوق می‌دهد که در برنامه‌ریزی آموزشی تجدیدنظر کلی داشته باشند و متناسب با نیازهای محیط کار، فراگیران را در کنار موضوعات تئوریک در محیط تحصیل مجهز به مهارت‌های تخصصی و عمومی (نرم) نمایند (رابلس، ۲۰۱۲). با توجه به اینکه در عصر حاضر نیروی کار با تغییرات فزاینده و محیط رقابتی روبه‌رو است، بنابراین توجه به ویژگی‌هایی که برای کارفرمایان در صنعت و خدمات ارزشمند است در برنامه‌های درسی ضروری است. در این راستا نقش دانشگاه، طراحی و اجرای

---

1. Berei

2. Robles

برنامه‌هایی متناسب با مأموریت‌ها و اهداف و تأمین نیروی کار مرتبط با نیازهای ذی‌نفعان و کارفرمایان است و وظیفه دارد دانش‌آموختگانی ارائه کند که دانش لازم را در حوزه تخصصی و مهارت‌های فکری و همچنین توانایی اجرا و به کار بستن نظریه به عمل داشته باشند و همچنین مهارت‌های عمومی شامل توانایی برقراری ارتباط، داشتن نگرش و ارزش‌های شهروند مسئول، موارد دیگری است که انتظار می‌رود در طول دوره تحصیلی در دانشجویان توسعه و تقویت یابد (راملی و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). نقش آموزش عالی در ایجاد و توسعه مهارت‌های شغلی نیروی کار آینده، مدت‌ها است که موضوع بحث دانشگاه‌ها بوده است. با افزایش چشم‌گیر میزان ثبت‌نام در مؤسسات آموزش عالی، دیگر مدرک تضمین مناسبی برای اشتغال نیست و انتظار می‌رود مؤسسات آموزش عالی دانشجویان را به مهارت‌ها و ویژگی‌های شغلی تجهیز کنند (پن و لی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱)؛ چراکه نیاز اساسی یک فارغ‌التحصیل دانشگاهی برای رسیدن به شغل و پذیرش مسئولیت‌های تخصصی جامعه، مهارت است، یعنی فرد علاوه بر داشتن توانایی‌های ذهنی، فیزیکی و سطح تحصیلات و همچنین ویژگی‌های رفتاری چون شخصیت، نوع نگرش، انگیزش و ارزش‌های فردی باید مهارت‌های فنی، انسانی و ادراکی را نیز در طول دوران تحصیل کسب کند (Parand et al., 2013).

پژوهش‌های مختلفی به بررسی مهارت‌های مورد نیاز دانشجویان پرداختند. از جمله Abdul Wahabi et al (2012) مهارت‌های پایه مورد نیاز دانشجویان در عصر جهانی شدن را که از تحقیقات دیگر استخراج کرده بودند به قرار زیر ذکر کردند: مهارت‌های فنی، روش‌شناسی، اجتماعی، رفتاری، ارتباطی، انعطاف‌پذیری، کارگروهي، حل مسئله، سواد رایانه‌ای و مسئولیت‌پذیری. نظریه‌های مختلفی نیز مانند نظریه رفتار مصرف‌کننده، نظریه توسعه انسانی و نظریه سرمایه انسانی از اشتغال‌پذیری دانشجویان به عنوان یکی از کارکردهای دانشگاه حمایت می‌کنند. بر اساس نظریه رفتار مصرف‌کننده، دانشجویان خریدار خدماتی ارائه شده از سوی مؤسسات آموزشی هستند و انتظار دارند بتوانند توانمندی‌ها و قابلیت‌های لازم را برای اشتغال کسب کنند تا زمینه‌های ورود آن‌ها به بازار کار مهیا شود (Abbas Zadeh et al , 2017). پول و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی ساختار عاملی نمایه توسعه اشتغال‌پذیری» به این نتیجه دست یافتند که در کنار دانش و مهارت موضوعی رشته، مؤلفه‌هایی مانند مهارت عمومی، یادگیری توسعه شغلی و نیز برخی ویژگی‌های فردی مانند خودکارآمدی و خودارزیابی به عنوان مؤلفه‌های تأثیرگذار در اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان نقش دارند. دورتی و

---

1. Ramli et al

2. Pan & Lee

3. Pool et al

همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) نیز در پژوهشی با عنوان «شایستگی‌های قانونی (اصلی) دانشجویان دکتری» تعداد ۱۱۱ شایستگی مختلف را جهت اشتغال‌پذیری دانشجویان دکتری شناسایی و در شش دسته اصلی شامل دانش و مهارت‌های فنی خاص، شایستگی‌های انتقال‌پذیر رسمی، شایستگی-های انتقال‌پذیر غیررسمی، شایستگی‌های گرایشی (نگرشی)، شایستگی‌های رفتاری و فراشایستگی تقسیم‌بندی کرده‌اند. Sharifi (2018) یکی از دلایل فقدان کیفیت در آموزش عالی را، ناکارآمدی برنامه‌های درسی و دوره آموزشی دانشگاه‌ها در پاسخگویی به نیازهای بازار کار و صنعت به نیروی انسانی ورزیده و ماهر باشد. از این رو، ضرورت تناسب برنامه‌های درسی رشته‌های تحصیلی با نیازهای جدید بیش از پیش جلوه‌گر شده است و بازنگری برنامه‌های درسی در این جهت مستلزم ارزیابی آن‌ها است. بهترین ارزیابان برنامه‌های درسی نیز مشتریان بلافصل آن‌ها یعنی دانشجویان و دانش‌آموختگان هستند.

رشته‌های علوم تربیتی نیز از جمله پرکاربردترین رشته‌های دانشگاهی در نهادها و مؤسسات آموزشی مختلف مانند وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، علوم و تحقیقات و فناوری و مراکز ماند فرهنگ‌سراها، سازمان بهزیستی، سازمان زندان‌ها، کانون‌های اصلاح و تربیت، مراکز مشاوره خصوصی، مدارس و ... است که از اساسی‌ترین نهادهای اجتماعی هستند و مهم‌ترین وظیفه آن‌ها تربیت انسان‌هایی است که آینده جامعه را تعیین خواهند کرد. (Moghadam et al., 2019). برنامه‌های درسی از ارکان اساسی و حیاتی نظام آموزش عالی به شمار می‌آیند. برنامه‌ها، بایستی اهداف گسترده‌ای را اعم از اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، علمی اخلاقی و فکری تحت پوشش قرار دهند (Javed and Farzadian, 2014) که رشته‌های علوم تربیتی نیز از این قاعده مستثنا نیستند. در این بین، برنامه ریزی درسی به عنوان یکی از رشته‌های علوم تربیتی حائز اهمیت است. برنامه‌ریزی درسی رشته تحصیلی دانشگاهی است که ماهیتی بیش رشته‌ای داشته و هدف آن درک امور مربوط به برنامه درسی می‌باشد (پاینار، ۲۰۱۱). همچنین این رشته به مطالعه تاریخچه، نظریه‌ها، رویکردها، مدل‌ها، ابعاد، عناصر، طراحی، اجرا، تغییر، ارزشیابی و روند تحولات فعلی و آتی برنامه درسی می‌پردازد (Marzouq et al., 2018).

پژوهش‌های بسیاری در رابطه با بررسی سرنوشت شغلی دانش‌آموختگان رشته‌های علوم تربیتی از جمله برنامه‌ریزی درسی انجام شده است. برای مثال Kashtkari et al. (2013) در پژوهشی چنین نتیجه گرفتند که برنامه درسی اجراشده کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی در تربیت دانشجوی کارآفرین مؤثر بوده است، ولی میانگین نمرات مهارت‌های کارآفرینی رضایت بخش نبوده، مخصوصاً در مهارت‌های تحمل ابهام و ریسک‌پذیری پایینتر از حد متوسط بود. Khoshnoudi et al. (2011) نیز به این نتیجه رسیدند که در برنامه‌های درسی رشته علوم

1. Durette et al

تربیتی به هدف‌های توسعه نیروی انسانی کشور توجه نشده است و دروس ارائه شده و دروس تخصصی علوم تربیتی نمی‌تواند در توانایی‌ها و مهارت‌های شغلی دانشجویان، مؤثر و پرورش دهنده مهارت‌های تفکر آنان باشد. به علاوه، پژوهش Shahrkipur (2013) نشان داد عواملی مانند تغییر محتوای آموزشی، انجام پژوهش، شیوه تدریس استادان، توسعه حرفه‌ای آنان و تجهیز کلاس‌ها به فناوری نوین به میزان نسبتاً زیادی در افزایش کیفیت آموزشی دوره‌های کارشناسی ارشد مؤثر هستند. Mazaheri et al. (2019) نیز در پژوهشی، به ترتیب صلاحیت‌های نگرشی و ارزشی، توانمندی‌های کار، شخصیتی و دانشی را جز صلاحیت‌های ایجاد شده برنامه درسی رشته علوم تربیتی از دیدگاه فارغ‌التحصیلان این رشته دانسته‌اند.

با توجه به اینکه یکی از وظایف اساسی نظام آموزشی، فراهم کردن شرایطی است که در آن نیروهای تحصیل کرده بتوانند از دانش و توانایی‌هایی برخوردار شوند که با نیازهای متغیر و نوین اقتصادی و صنعتی متناسب باشد (Salehi Imran and Rahmani, 2012) و تنوع و تکثر در اشتغال و راه‌های دستیابی به شغل و ایجاد شغل‌های جدید نیز، آن‌چنان رو به افزایش است که اگر افراد با روش و برنامه‌ریزی صحیح تابع شرایط جدید شغلی نشوند، محکوم به بیکاری خواهند شد. در این شرایط انسان و به تبع آن جامعه‌ای موفق است که بتواند نظام تربیتی همه جانبه‌ای را برای فراگیران خود ترسیم نماید که در آن بر هر سه بعد یادگیری (دانش، نگرش و مهارت) توجه شود تا اینکه افراد هم دانش لازم را برای چگونگی تعامل با محیط کسب کنند و هم اینکه مهارت کافی و نگرش به‌کارگیری این مهارت‌ها را در رفتار خود داشته باشند. از این رو لازم است نیازهای محیط کار به برنامه درسی تبدیل شود تا تحصیلات دانشگاهی بتواند در تنظیم نظام شغلی - تحصیلی کشورها راهگشا باشد (Moghadam et al., 2019). مرور پیشینه پژوهشی نیز نشانگر آن بود که تحقیق جامعی که دربرگیرنده مهارت‌های مختلف مورد برای دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی (برنامه‌ریزی درسی و مدیریت آموزشی) باشد، وجود نداشت و همچنین توجه به این نکته که داشتن انواع مهارت‌ها در دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی می‌تواند نقش مهمی در این زمینه داشته و کسب این مهارت‌ها جز در سایه برنامه درسی میسر نیست.

مهارت فنی دانایی و توانایی در انجام دادن وظایف خاص که لازمه آن ورزیدگی در کاربرد فنون و ابزار ویژه و شایستگی عملی در رفتار و فعالیت است. مهارت‌های فنی از طریق تحصیل، کارورزی و تجربه حاصل می‌شوند. همچنین توانایی درک پیچیدگی‌های کل سازمان و تصور همه عناصر و اجزای تشکیل‌دهنده کار و فعالیت سازمانی به صورت یک کل واحد به عنوان مهارت ادراکی تعریف می‌شود و در نهایت مهارت انسانی داشتن توانایی و قدرت تشخیص در زمینه ایجاد محیط تفاهم و همکاری و انجام دادن کار به وسیله دیگران، فعالیت مؤثر به عنوان عضو گروه، درک انگیزه‌های افراد و تأثیرگذاری بر رفتار آنان است (Abbaszadeh et al, 2017).

در مجموع به نظر می رسد، امروزه برنامه ریزی درسی در ایران از یک سو با چالش‌های جهانی پرورش مواجه است. همزمان با این از سوی دیگر با چالش‌های درونی خود نظام آموزش و و چالش‌های نظری، آموزش کشور ایران در دهه‌های اخیر تحولات جمعیت شناختی قابل توجهی را نیز پشت سر گذاشته است. این موارد، توجه مسئولان، سیاست‌گذاران آموزش و پرورش و برنامه‌ریزان آموزشی را روی این نکته متمرکز کرده است که بر غلبه بر مسایل یاد شده، تغییرات و اصلاحاتی در ساختار، هدف، برنامه و روش‌های آموزشی صورت گیرد تا نقش برنامه درسی بر مهارت‌های دانش‌آموزان مشخص شود؛ لذا هدف از این پژوهش پاسخ به این سؤال است که آیا برنامه درسی رشته برنامه‌ریزی درسی در توانمندسازی دانشجویان از نظر مهارت‌های فنی، اجرایی، دانشی و نگرشی نقش داشته است؟

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف از نوع کاربردی است چون به بررسی نقش برنامه درسی رشته برنامه‌ریزی درسی در توانمندسازی دانشجویان از نظر مهارت‌های فنی، اجرایی، دانشی و نگرشی می‌پردازد تا از این طریق به شناخت نقاط قوت و ضعف برنامه درسی رشته برنامه‌ریزی درسی پرداخته شود و از نظر ماهیت پژوهش، از نوع توصیفی-پیمایشی است زیرا برای توصیف وضعیت موجود می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل دانشجویان رشته برنامه‌ریزی درسی در دوره کارشناسی ارشد دانشگاه شهید مدنی آذربایجان در هفت سال اخیر می‌باشد. برای تعیین حجم نمونه از جدول کرجسی مورگان استفاده شد که مطابق این جدول به ازای ۱۲۲ نفر جامعه آماری، ۹۳ نفر نمونه انتخاب شد (از تعداد ۹۳ پرسشنامه توزیع شده ۸۵ پرسشنامه برای تجزیه و تحلیل مناسب بود). بعد از تعیین حجم نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شد.

جدول (۱) جامعه و نمونه آماری به تفکیک جنسیت

رشته	جنسیت	تعداد جامعه	تعداد نمونه
برنامه‌ریزی درسی	دختر	۷۶	۵۳
	پسر	۴۶	۳۲
	مجموع	۱۲۲	۸۵

ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد که در چهار مؤلفه فنی، اجرایی، دانشی و نگرشی و در طیف ۵ درجه‌ای لیکرت (خیلی کم تا خیلی زیاد) بود. با توجه به اینکه قبلاً پرسشنامه‌ای با این عنوان موجود نبود و همچنین تاکید سرفصل‌های مصوب این دو رشته بر تعمیق (وضعیت مطلوب و بالاتر از متوسط) یادگیری در ابعاد مختلف، در این پژوهش نقطه برش یا وضعیت مطلوب خوب (۴) در نظر گرفته شد. روایی این پرسشنامه از طریق نظر

بررسی برنامه درسی رشته برنامه ریزی درسی دانشگاه...

اساتید حوزه‌ی علوم تربیتی و اجرای آزمایشی در این حوزه بررسی شد و ضریب پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ به دست آمد که ۰/۹۷۸ برآورد شد. در این پژوهش از روش‌های آمار توصیفی (فراوانی، درصد فراوانی، میانگین، انحراف استاندارد و...) و آمار استنباطی (تی-تک‌نمونه‌ای) برای پاسخ به سؤال‌های پژوهش استفاده شد. کلیه محاسبات آماری در سطح معناداری ۰/۰۵ با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ انجام شد.

### یافته‌ها:

نتایج نشان داد که در رشته برنامه‌ریزی درسی، میانگین مؤلفه فنی (۳/۳۶)، مؤلفه اجرایی (۳/۴۰)، مؤلفه دانشی (۳/۴۰)، مؤلفه نگرشی (۳/۴۳) و میانگین کلی (۳/۴۰) بود.

جدول (۲) شاخص‌های توصیفی مولفه‌ها

رشته	مؤلفه	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد	واریانس
	فنی	۱	۴/۷۰	۳/۳۶	۰/۷۳	۰/۵۴
	اجرایی	۱	۵	۳/۴۰	۰/۷۹	۰/۶۲
برنامه‌ریزی درسی	دانشی	۱/۰۴	۴/۶۵	۳/۴۰	۰/۸۱	۰/۶۶
	نگرشی	۱/۲۵	۵	۳/۴۳	۰/۹۷	۰/۹۵
	کل	۱/۱۵	۴/۵۶	۳/۴۰	۰/۷۷	۰/۶۰

سؤال ۱: آیا برنامه درسی رشته برنامه‌ریزی درسی در توانمندسازی دانشجویان از

نظر مهارت‌های فنی نقش داشته است؟

به منظور پاسخ به سؤال پژوهش از آزمون پارامتریک t تک نمونه‌ای استفاده شد.

جدول شماره (۳) تحلیل t تک نمونه‌ای یا تی تک گروهی برای مقایسه میانگین توانمندسازی برنامه

درسی رشته برنامه‌ریزی درسی از نظر مهارت‌های فنی در گروه نمونه با نمره معیار

رشته	مؤلفه	میانگین	نمره معیار	انحراف استاندارد	T	Sig	n
برنامه‌ریزی درسی	فنی	۳/۳۶	۴	۰/۷۳	-۷/۹۱۹	۰/۰۰۰	۸۵

نتایج نشان داد میانگین توانمندسازی برنامه درسی رشته برنامه‌ریزی درسی از نظر مهارت-های فنی در گروه نمونه در رشته برنامه‌ریزی درسی ۳/۳۶ با انحراف استاندارد ۰/۷۳ بود که به

مرتضی معرفت ، عیسی برقی ، بهبود یاریقلی

طور معناداری ( $P < 0/05$ ) از نمره برش ۴ بالاتر بود و می‌توان نتیجه گرفت که نمونه مورد مطالعه برنامه درسی رشته برنامه‌ریزی درسی را از نظر توانمندسازی در مهارت‌های فنی در حد کمتر از خوب ارزیابی کردند.

### سؤال ۲: آیا برنامه درسی رشته برنامه‌ریزی درسی در توانمندسازی دانشجویان از نظر مهارت‌های اجرایی نقش داشته است؟

به منظور پاسخ به این سؤال پژوهش از آزمون پارامتریک  $t$  تک نمونه‌ای استفاده شد. جدول شماره (۴) تحلیل  $t$  تک نمونه‌ای یا تی تک گروهی برای مقایسه میانگین توانمندسازی برنامه

درسی رشته برنامه‌ریزی درسی از نظر مهارت‌های اجرایی در گروه نمونه با نمره معیار

رشته	مؤلفه	میانگین	نمره معیار	انحراف استاندارد	T	Sig	n
برنامه‌ریزی درسی	اجرایی	۳/۴۰	۴	۰/۷۹	-۶/۹۴۹	۰/۰۰۰	۸۵

نتایج نشان داد میانگین توانمندسازی برنامه درسی رشته برنامه‌ریزی درسی از نظر مهارت‌های اجرایی در گروه نمونه در رشته برنامه‌ریزی درسی ۳/۴۰ با انحراف استاندارد ۰/۷۹ بود که به طور معناداری ( $P < 0/05$ ) از نمره برش ۴ بالاتر بود و می‌توان نتیجه گرفت که نمونه مورد مطالعه برنامه درسی رشته برنامه‌ریزی درسی را از نظر توانمندسازی در مهارت‌های اجرایی در حد کمتر از خوب ارزیابی کردند.

### سؤال ۳: آیا برنامه درسی رشته برنامه‌ریزی درسی در توانمندسازی دانشجویان از نظر مهارت‌های دانشی نقش داشته است؟

به منظور پاسخ به این سؤال پژوهش از آزمون پارامتریک  $t$  تک نمونه‌ای استفاده شد. جدول شماره (۵) تحلیل  $t$  تک نمونه‌ای یا تی تک گروهی برای مقایسه میانگین توانمندسازی برنامه

درسی رشته برنامه‌ریزی درسی از نظر مهارت‌های دانشی در گروه نمونه با نمره معیار

رشته	مؤلفه	میانگین	نمره معیار	انحراف استاندارد	T	Sig	n
برنامه‌ریزی درسی	دانشی	۳/۴۰	۴	۰/۸۱	-۶/۷۴۹	۰/۰۰۰	۸۵

نتایج نشان داد میانگین توانمندسازی برنامه درسی رشته برنامه‌ریزی درسی از نظر مهارت‌های اجرایی در گروه نمونه در رشته برنامه‌ریزی درسی ۳/۴۰ با انحراف استاندارد ۰/۸۱ بود که به طور معناداری ( $P < 0/05$ ) از نمره برش ۴ بالاتر بود و می‌توان نتیجه گرفت که نمونه مورد



بررسی برنامه درسی رشته برنامه ریزی درسی دانشگاه...

مطالعه برنامه درسی رشته برنامه ریزی درسی را از نظر توانمندسازی در مهارت‌های دانشی در حد کمتر از خوب ارزیابی کردند.

**سؤال ۴: آیا برنامه درسی رشته برنامه ریزی درسی در توانمندسازی دانشجویان از نظر مهارت‌های نگرشی نقش داشته است؟**

به منظور پاسخ به این سؤال پژوهش از آزمون پارامتریک t تک نمونه‌ای استفاده شد. جدول شماره (۶) تحلیل t تک نمونه‌ای یا تی تک گروهی برای مقایسه میانگین توانمندسازی برنامه درسی رشته برنامه ریزی درسی از نظر مهارت‌های نگرشی در گروه نمونه با نمره معیار

رشته	مؤلفه	میانگین	نمره معیار	انحراف استاندارد	T	Sig	n
برنامه ریزی درسی	نگرشی	۳/۴۳	۴	۰/۹۷	-۵/۲۹۱	۰/۰۰۰	۸۵

نتایج نشان داد میانگین توانمندسازی برنامه درسی رشته برنامه ریزی درسی از نظر مهارت‌های اجرایی در گروه نمونه در رشته برنامه ریزی درسی ۳/۴۳ با انحراف استاندارد ۰/۹۷ بود که به طور معناداری ( $P < ۰/۰۵$ ) از نمره برش ۴ بالاتر بود و می‌توان نتیجه گرفت که نمونه مورد مطالعه برنامه درسی رشته برنامه ریزی درسی را از نظر توانمندسازی در مهارت‌های نگرشی در حد کمتر از خوب ارزیابی کردند.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد که نمونه مورد مطالعه برنامه درسی رشته برنامه ریزی درسی را از نظر توانمندسازی در مهارت‌های فنی، اجرایی، دانشی و نگرشی در حد کمتر از خوب ارزیابی کردند. به طوری که میانگین توانمندسازی برنامه درسی رشته برنامه ریزی درسی از نظر مهارت‌های فنی، اجرایی، دانشی و نگرشی در گروه نمونه در رشته برنامه ریزی درسی به طور معناداری از نمره برش ۴ بالاتر بود. نتایج این پژوهش تا حدی با نتایج پژوهش Kashtkari et al. (2013) همسویی دارد، چراکه در پژوهش مذکور، توانمندسازی فراگیران از نظر مهارت‌ها در حد مطلوبی گزارش نشده است. همچنین نتایج این پژوهش تا حدی با نتایج پژوهش Moghadam et al. (2019) و Mazaheri et al. (2019) همسویی دارد، چراکه در این پژوهش‌ها، بیشترین میانگین مربوط به بعد نگرشی می‌باشد که همسو با پژوهش حاضر است، هر چند این میانگین با میانگین مطلوب تفاوت دارد.

در تبیین این یافته می‌توان چنین گفت که در ابعاد مختلف محتوای برنامه درسی در این رشته‌های از نظر دانشجویان مفید نیست. در این راستا می‌توان گفت که صرفاً ارائه مطالب نظری

و تئوریکي در محتوای برنامه درسی نمی‌تواند مهارت‌های لازم را در دانشجویان و فارغ‌التحصیلان ایجاد کند. برای افزایش توانمندی، برنامه درسی رشته‌ها باید این قابلیت را داشته باشند که همزمان با ارائه مطالب نظری، آموزش‌های عملی را نیز مد نظر قرار داده و با قرار دادن دانشجویان در وضعیتی که نیاز با مهارت است، آنها را در جهت یادگیری بهتر این مهارت‌ها آموزش دهند.

همچنین نتایج نشان داد که نمونه مورد مطالعه برنامه درسی رشته برنامه‌ریزی درسی را از نظر توانمندسازی در مهارت‌های فنی در حد کمتر از خوب ارزیابی کردند. نتایج این پژوهش تا حدی با نتایج پژوهش Kashtkari et al. (2013) همسویی دارد، چراکه در پژوهش مذکور، توانمندسازی فراگیران از نظر مهارت‌های کارآفرینی که به نوعی حاوی مهارت‌های فنی است، در حد مطلوبی گزارش نشده است. در تبیین این یافته می‌توان چنین گفت که امروزه یکی از مهم‌ترین راه‌های اشتغال‌زایی اصولی و حل معضل بیکاری، آموزش صحیح مهارت‌های فنی است، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی با وجود علم‌آموزی و بصیرت و دانایی به دلیل آموزش ندیدن به‌صورت کاربردی، فاقد مهارت لازم هستند، در حقیقت نداشتن مهارت لازم یکی از دلایل بیکاری جوانان و نوجوانان مورد نیاز بازار کار از سوی جویندگان کار است. مبرهن است که در این راستا آموزش‌های فنی با ارائه آموزش‌های مهارتی در محیط کار واقعی میزان یادگیری اشخاص را افزایش می‌دهد و نقش بسزایی در اشتغال و در کاهش میزان بیکاری دارد. مهارت‌ها جزو اصلی‌ترین نیازهای شغلی انسان‌ها بشمار می‌روند که آموزش آن‌ها برای انجام فعالیت‌های شغلی واجب و الزامی است بخش مهارت‌ها در رزومه‌ی کاری شما یکی از مهم‌ترین بخش‌ها برای کارفرمایان است چراکه مهارت‌ها نشان می‌دهند شما برای انجام آن کار صلاحیت لازم را دارید. برنامه درسی رشته‌ها باید به نحوی تدوین شود که مهارت‌های لازم را برای حضور در بازار کار برای دانشجویان فراهم سازد. برای مثال دانشجویان باید بتوانند مسائل و مشکلات نیازمند بررسی در حوزه رشته تخصص در جهان و ایران را بشناسند و در خصوص معضلات و مسائل مهم رشته به پژوهش پرداخته و ارائه راهکار کنند. همچنین توانایی تحلیل یک برنامه آموزشی و تعیین اولویت نیازها، مهارت در تعیین اهداف دقیق (رفتاری) آموزشی متناسب با هر دوره و مقطع، مهارت در تجزیه و تحلیل کارکرد، مهارت در تحلیل و تنظیم وظایف لازم برای دستیابی به اهداف آموزشی، مهارت در انتخاب محتوای مناسب برای یک موضوع و هدف خاص، مهارت در تشخیص نظام ارزشیابی مورد نظر بر اساس اهداف تعیین شده، مهارت در تشخیص تناسب الگوها با اهداف و یادگیری و توانایی تحلیل، نقد و ارزش‌سنجی نظرات دیگران را داشته باشند که لازمه آراسته بودن فراگیران به این مهارت‌های فنی، محتوای درسی مناسب با مهارت‌های فنی و وجود دوره‌های عملی و کارگاهی برای دانشجویان در راستای دستیابی به این اهداف می‌باشد.

همچنین نتایج نشان داد که نمونه مورد مطالعه برنامه درسی رشته برنامه‌ریزی درسی را از نظر توانمندسازی در مهارت‌های اجرایی در حد کمتر از خوب ارزیابی کردند. نتایج این پژوهش تا حدی با نتایج پژوهش (Kashtkari et al. (2013 همسویی دارد، چراکه در پژوهش مذکور، توانمندسازی فراگیران از نظر مهارت‌های کارآفرینی که به نوعی حاوی مهارت‌های اجرایی است، در حد مطلوبی گزارش نشده است. در تبیین این یافته می‌توان چنین گفت که مهارت‌های اجرایی باید بر اساس برنامه درسی پروژه‌محور و عملی باشد. با توجه به اینکه بیشتر برنامه درسی در این رشته‌ها جنبه تئوری دارند و واحدهای عملی که دانشجویان بتوانند آموخته‌های خود را به صورت عملی اجرا کنند، وجود ندارد، لذا دانشجویان میزان توانمندسازی برنامه درسی خود را از نظر مهارت‌های اجرایی نیز در حد خوبی ارزیابی نکردند. برنامه درسی که حامی مهارت‌های اجرایی باشد باید شرایطی را مهیا کند که فراگیران به تدوین محتوا متناسب با قوانین موجود بپردازند، مناسب‌ترین روش تدریس متناسب با اهداف آموزشی را در حین تدریس عملی بکار گیرند، کارگاه‌های آموزشی متناسب با رشته خود برگزار کنند و بتوانند از محیط آموزشی در جهت تشخیص میزان دستیابی به اهداف مدنظر ارزشیابی کنند.

همچنین نتایج نشان داد که نمونه مورد مطالعه برنامه درسی رشته برنامه‌ریزی درسی را از نظر توانمندسازی در مهارت‌های دانشی در حد کمتر از خوب ارزیابی کردند. نتایج این پژوهش تا حدی با نتایج پژوهش (Kashtkari et al. (2013 همسویی دارد، چراکه در پژوهش مذکور، توانمندسازی فراگیران از نظر مهارت‌های دانشی در حد مطلوبی گزارش نشده است. در تبیین این یافته می‌توان چنین گفت که افزایش مهارت‌های دانشی در سایه استفاده از محتوای مناسب برای آموزش در رشته‌های مختلف می‌باشد. با تدوین محتوای مطلوب می‌توان بر دامنه دانش فراگیران در زمینه رشته تخصصی افزود و آن‌ها را به تئوری‌ها، مدل‌ها، فرایندها و ... آشنا ساخت. محتوای آموزشی باید به گونه‌ای باشد جامع و مانع باشد و کلیه مبانی نظری مربوط به رشته را در حد مقطع پوشش بدهد. برنامه درسی دانش‌محور باید بتواند دانشجویان را از لحاظ دانشی توانمند سازد، به نحوی که آن‌ها با مطلب و واژگان مرتبط با رشته و ابعاد مفهومی و گستره موضوعی رشته تخصصی و توانایی ارائه تصویری از رشته تسلط داشته باشند، با روند وضع، اجرا و ارزیابی سیاست‌های آموزشی و تئوری‌های و رویکردهای مختلف در حوزه تخصصی آشنا بوده و فرایندها، انواع تغییر، ایجاد و تثبیت تغییرات و روند آن در حوزه رشته تخصصی را به خوبی بشناسند.

ضمناً نتایج نشان داد که نمونه مورد مطالعه برنامه درسی رشته برنامه‌ریزی درسی را از نظر توانمندسازی در مهارت‌های نگرشی در حد کمتر از خوب ارزیابی کردند. نتایج این پژوهش تا حدی با نتایج پژوهش (Moghadam et al. (2019 همسویی دارد، چراکه در این پژوهش‌ها، بیشترین میانگین مربوط به بعد نگرشی می‌باشد که همسو با پژوهش حاضر است، هرچند این

میانگین با میانگین مطلوب تفاوت دارد. در تبیین این یافته می‌توان چنین گفت که نگرش مطلوب به رشته تخصصی در سایه برنامه درسی خوب سازمان‌دهی شده است. اگر برنامه درسی بتواند مهارت‌های مختلف را در فراگیران به وجود بیاورد، نگرش به رشته تخصصی نیز مطلوب خواهد بود. در صورتی که برنامه درسی از مورد رضایت فراگیران باشد، تعهد به آموزش دانسته‌های مرتبط با رشته به سایر افراد در آن‌ها و تعهد به پژوهش‌های دقیق و فراگیر در حوزه رشته و تعهد به پیشرفت بیشتر خواهد بود و در نتیجه حمایت علمی از رشته نیز در جمع سایر متخصصین توسط فراگیران به خوبی انجام خواهد شد و با داشتن تفکر مثبت نسبت به رشته تخصصی در راستای بهبود وضعیت در حیطه تخصصی مرتبط با رشته تلاش انجام خواهد شد. هر برنامه آموزشی به دنبال ایجاد تغییر در دانش، مهارت و نگرش فراگیران است. لذا موضوعاتی که باید آموخته یا دستخوش تغییر شوند، از قبل تعیین می‌شود. هر موضوع آموزشی علاوه بر قرارگیری در یک حیطه اصلی دانشی، مهارتی یا نگرشی، اغلب با سایر حیطه‌ها همپوشانی دارد. اگر موضوع آموزش ارتقای یک مهارت باشد، افزون بر موضوع اصلی، افزایش دانش فراگیران و نیز تقویت نگرش مثبت آنها نسبت به موضوع ضرورت می‌یابد. در برنامه‌های آموزشی سه حیطه دانش، مهارت و نگرش، مستقل از یکدیگر نبوده و با یکدیگر مرزهای مشترک دارند. در واقع، در برنامه‌های آموزشی، جنبه‌های دانشی، مهارتی و عاطفی احساسی با یکدیگر همپوشانی دارند (Salmani, 2020). Shah Talebi et al (2016) در پژوهش خود در بحث مهارت‌های دانش‌آموختگان دکتری برنامه درسی، سه مؤلفه اصلی الف (توانایی توسعه رشته) ، ب (توانمندی‌های برنامه‌ریزی درسی) و ج (توانمندی‌های پژوهشی) را جز مهارت‌های اصلی یک دانشجوی یا فارغ‌التحصیل برنامه‌ریزی درسی مطرح کردند. پیشنهاد می‌شود به آموزش مهارت‌های فنی، آموزش‌های عملی، کارگاهی و پروژه محور در برنامه درسی این رشته توجه بیشتری شود، بستری فراهم شود که دانشجویان این رشته در ترم‌های آخر به صورت حضوری در یکی از ارگان‌ها مرتبط با رشته تخصصی خود به کارورزی بپردازند و در کارهای اجرایی حضور داشته باشند، دروس این رشته متناسب با تحولات نوین در هر رشته و همچنین با متناسب با مقتضیات زمانی و مکانی تنظیم شود تا مفیدترین دانش‌های تخصصی با آن‌ها آموزش داده شود. و با برگزاری کارگاه‌های واکاوی اهمیت، ضرورت و کارکردهای تخصصی این رشته، نگرش مطلوب در دانشجویان نسبت به رشته و امیدواری به آینده رشته تضمین شود.

## منابع

Begdeli, M., Karamati, M. R., & Bazargan Harandi, A. (2011). A study of the relationship between the field of study and the employment status of the graduates of the Faculty of Psychology and Educational Sciences, University

of Tehran. *Research and Planning Quarterly in Higher Education*, 6, 111-131 (in persian)

Parand, K., Niromand, P., Faraji Aramaki, A., Ahadieh, N. (2011). Providing a framework for the realization of the skill and technology document of the technical and vocational education organization of the country, the second evaluation and quality assurance conference in educational systems. (in persian)

J., E., and Farzadian, F. (2014). Evaluation of curriculum quality in the higher education system, National Conference of Educational and Social Sciences Psychology, Babol. (in persian)

Khoshnoudi, F., F., Allahi, M., & Najafi H., J., H. (2011). The role of educational science curriculum in the development of the country's human resources from the point of view of the faculty members of Payam Noor University, Hormozgan. *Hormozgan Cultural Journal*, 3, 120-134. (in persian)

Salameh, M., Kerami, M., Mehram, B., & A., Khandaghi, M. (2019). A comparative study of the employability skills of the undergraduate course in educational sciences in Iran and Syria. *Iranian Quarterly of Comparative Education*, 3(2), 704-723. (in persian)

Salmani, H. (2020). Knowledge, skills and attitudes. *Encyclopedia of Applied Education*. (in persian)

S., Sharifi, A. (2011). Examining the efficiency and appropriateness of education provided in universities and centers, higher education with educational needs for creation and promotion. *Management Engineering Monthly*, 5(2), 57-86. (in persian)

Sharifi A., M., F., Khorasani, A., Fathi W., K., & Salehi I., I. (2018). Determining the employability components of university graduates with a mixed exploratory approach, two-quarterly journal of theory and practice in the curriculum, 7(13), 29-52. (in persian)

Shahrkipour, H. (2012). Effective factors on increasing the educational quality of master's courses of Azad University, Faculty of Educational Sciences (Case study of Rodhen Unit). *Journal of Curriculum Planning Research*, 9(2/7), 118-123. (in persian)

Salehi I., E., & Rahmani Q., E. (2012). Investigating focal competencies in technical and vocational education programs, a review of theoretical issues and countries' experiences, *Skill Education Journal*, 1(1), 31-7. (in persian)

Abdul Wahhabi, M., Romyani, Y., & Zarif, S. (2012). Examining the basic skills of students in the age of globalization. *Research and Planning Quarterly in Higher Education*, 70, 51-74. (in persian)

M., Rahmat Elah; Agriculture, F., & Nowrozi, N. (2018). Introducing and downloading the book *Basis and Meaning of Hidden Curriculum: Your Look at Types of Curriculum*. Avai Noor Publications. (in persian)

Mazaheri, H., M., Asmeili, F., & Ansarizadeh, F. (2019). Evaluation of the professional qualifications of female graduates in the field of educational sciences (primary education) of Farhangian University of Tehran province, the fifth national teacher training conference, Tehran. (in persian)

Moghadam, F., Parsa, A., & Mehralizadeh, Y. (2019). The effect of master's programs in educational sciences on the development of job skills, job expectations and employment chances of graduates of these fields. *Bi-Quarterly Journal of Higher Education Curriculum Studies*, 11(21), 201-226. (in persian)

Berei, E. B. (2020). The social responsibility among higher education students. *Education sciences*, 10(3), 66.

Durette, B., Fournier, M., & Lafon, M. (2016). The core competencies of PhDs. *Studies in Higher Education*, 41(8), 1355-1370.

Pan, Y. J., & Lee, L. S. (2011). Academic performance and perceived employability of graduate students in business and management—an analysis of nationwide graduate destination survey. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 25, 91-103.

Pinar, W. (2011). *The character of curriculum studies: Bildung, currere, and the recurring question of the subject*. Springer

Pool, L. D., Qualter, P., & Sewell, P. J. (2014). Exploring the factor structure of the CareerEDGE employability development profile. *Education+ Training*, 56(4), 303-313.

Ramli, A., Nawawi, R., & Chun, M. P. P. (2010). Employees' perception of employability skills needed in today's workforce among physiotherapy graduates. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 7, 455-463.

Robles, M. M. (2012). Executive perceptions of the top 10 soft skills needed in today's workplace. *Business communication quarterly*, 75(4), 453-465.